

Research Paper

DOI: 10.22034/JRAL.2023.400333.1030

## Characterization in the novel "Touq al-Hamam" with a location from Mecca to Madrid

Mehrdad Aghaei<sup>1</sup>

(Received:2023.06.03,Accepted:2023.11.29)

### Abstract

The characters of each story are chosen by the author and they play a role in the story. In general, it can be said that the story is a slice of reality and fantasy created and elaborated by the author's mind. An important part of characterization is the borrower of a set of elements that the author of the story takes advantage of in order to create the desired work. The novel "Tooq al-Hamam" by Raja Alam, a female Saudi novelist, has a socio-religious reflection, the events of which take place in the two cities of Mecca and Madrid. This novel has a high artistic position in terms of characterization. Raja Alam has used the method of dialogue and description in the characterization and introduction of the characters in his novel, and the characters in the story are mostly complementary characters. The religious and imaginary atmosphere of the story, its attractive structure, chases and arguments, have kept the reader's desire to continue the story. The temporal, spatial and logical order of the events in the introduction of the characters is more or less stable in such a way that sometimes the surprising events of a character disrupt the temporal and spatial arrangement of the story. The formal structure of the story is divided into two parts with two separate places but repeated and sometimes new characters, only with a different identity of "Ezzah". In examining the characterization in this novel, the author considers the preservation of the identity of this place to be the main concern of the narrative by placing the focus of the narrative in Mecca and the events that take place in this holy space. This research aims to investigate with an analytical-descriptive method how the types of characterization have caused the order, continuity and arrangement of different parts of the story "Touq al-Hamam". One of the results of this research is that the mind of the narrator and the character of the story and the subject have a harmonious and coherent connection, and this coordination is for the purpose of realizing and establishing the main goals, and its main content, which is about the history of Mecca and the customs of its people, is strengthened and emphasized with these connections. will be The thoughts and mental images of the story often have a certain integrity and structure. Among the salient features of this novel, we can mention the attention to the element of time, the relationship between the author and the reader, and the central character instead.

**Keywords:** Contemporary Novel Writing, Personality, Raja Al-Alam, Tough Al-Hamam Mecca , Madrid.

---

1 . Associate Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran, email: almehr55@yahoo.com



## شخصیت‌پردازی در رمان «طوق المامد» با چینش مکانی از مگه تا مادرید

مهرداد آقایی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳، تاریخ پیلارش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸)

### چکیده

شخصیات‌های هر داستان‌ی لاوسلا نویسنده آن لالاخاب لا و در جالا لای داستان لاقش لا می‌کلا، به‌طور کلی می‌توان گفت که داستان برشی‌لاز واقلا لا و خیال ساخته و پرداخته‌لاهن نولاسنده است. بخش مهمی از شخصیت‌پردازی، وامدار مجموعه‌ای از عناصر است که نویسنده داستان به فراخور اثر مورد نظرش از آن بهره می‌گیرد. رمان «طوق الحمام» اثر .. .. مان‌نویس زن عرب‌تا. بازتابی، تماعی-دند. .. .. حوادث آن در دو شهر مکه. مادرید اتقا. می‌افتد. این رمان، از ن. شخصیت‌پردازی جه‌لگاه هنری والچی .. .. رجاء عالم در شخصیت‌پردازی و معرفی اشخاص رما. خود از شیوه گفتگو. توصی. .. .. فاده. .. .. و. خصیت. .. .. داستان اکثراً. .. .. هایی مکمل هستند. فضای دینی و خبالی. تان، ساختا. بن را جذب و تعقی. و گریز و جدال، رغبت خواننده را برای ادامه داستان حفظ کرده است. ترتی. .. .. مانی، مکانی و نظم منطقی رو. دادها در معرفی شخصیت‌ها به صورتی کم و بیش پایدار است که گاه حادثی غافلگیرکننده یک شخصیت، .. .. ش ز بی و مکانی داستان را بر هم می‌ریزد. ساختار صوری داستان، به دو قسمت با دو مکان. .. .. زاما شخصیت‌های. کمراری و گاه جدید، تنها با هویت متفاوت «عزه»، تشکیل شده است. در بررسی شخصیت‌پردازی در این رمان، نویسنده با قرار دادن کانون روایت در مگه و اتفاقاتی که در مورد این فضای مقدس صورت می‌گیرد حفظ هویت این مکان را دغدغه .. .. روایت می‌داند. این پژوهش بر آن است تا با روشی. حلیی-. وصفی به بررسی این مطلب بپردازد که انواع شخصیت‌پردازی چگونه باعث نظم، تداوم و چینش قسمت‌های مختلف داستان «طوق الحمام» شده است. از جمله نتایج این پژوهش اینکه ذهن راو. و شخصیت داستان و موضوع پیوندی هما. نگ و منسجم با. دارند. .. .. تحقق. تبیی. هدا. اصلی است و محتوای اصلی آن به درباره تاریخ مکه و آداب. .. .. با این پیوندها تقویت. .. .. شود. اندیشه‌ها و تصاور. ذه. داسبا. اغلب دارای. کپارچ. و. تار مشخص هستند. از ویژگی‌های بارز این ر. ن می‌توان به توجه به عنصر زمان، ارتباط نویسنده با خواند. و شخصیت محوری به‌جای حادثه‌پردازی اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: رمان‌نویسی معاصر، شخصیت‌پردازی، رجاء عالم، طوق الحمام، مکه، مادرید.

### ١. مقدمه

<sup>۱</sup> دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، ایمیل:

almehr55@yahoo.com







## ۲. شخصیت‌پردازی

شخصیت‌اساسی‌ترین محور داستان یا رمان است؛ به‌طوری که اهمیت داستان یا رمان چه از لحاظ ماهیت و چه از نظر مفهوم و تأثیر، وابستگی تنگاتنگی با شخصیت‌های آن دارد. (القبنی، ۱۹۷۹: ۶۸) اهمیت شخصیت‌پردازی تا حدی است که نویسنده داستان‌های جریان سیال ذهن، با واگذار کردن نقش راوی به شخصیت داستان، خود از صحنه کنار رفته و تنها صدای حاضر در فضای داستان، صدای ذهن شخصیت یا شخصیت‌هایی است که بدون مخاطب قرار دادن کسی، به مشغله‌های ذهنی دنیای خصوصی خود می‌اندیشند. (بیات، ۱۳۸۷: ۱۵۱) اغلب نویسندگان بر این باورند که آنچه در عالم داستان نقش تعیین‌کننده دارد، اعمال و رفتار شخصیت‌هاست و در همین راستا تلاش می‌لانلا رمان‌های لاللا لاللا لاللا لاللا برای بازتاب زندگی طبقات مختلف جامعه، خصایص نیک و رذایل اخلاقی‌لانها و نیز مصیبت‌ها و مشکلاتی که پیوسته با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، قرار دهند. (مرتاض، ۱۹۹۸: ۷۳). شخصیت رمان به چهار شیوه معرفی می‌شود: ۱- از زبان خود شخصیت؛ ۲- از زبان شخصی دیگر؛ ۳- از زبان روایی که در خارج از داستان است؛ ۴- تلفیقی از سه شیوه‌ی فوق‌الذکر. (بورنوف، ۱۳۷۸: ۲۱۲)

## ۳. خلاصه داستان

رمان «نایق الحمام» رجاء عالم، رمانی دینی- تاریخی است. حادثه این داستان در مکه مکرمه که شهری مقدس است. اتفاق می‌افتد. در مجموعه داستان ارزش‌های دینی، انسانی، اجتماعی و اسطوره‌ای نهفته است. ظاهر داستان نشان می‌دهد که این رمان رمانی اجتماعی است؛ لاما در ورای آن تحلیلات روانی و فکری نیز وجود دارد. داستان بلا دو قسمت تقسیم می‌گردد. لاللا لاللا لاللا لاللا لاللا و بخش دوم آن اجتماعی است. این داستان به بررسی. تهاجمات سخت‌وسازهای جدید بر بافت تاریخی مگه می‌پردازد.

این داستان با شخصیت‌های مختلفی معرفی می‌گردد. د مهم‌ترین شخصیت موجود در داستان. «طوق الحمام» کوچه ابوالرووس است که تمام اتفاقات در این کوچه روی می‌دهد و نقشی اصلی در داستان دارد.

داستان از آنجا آغاز می‌گردد که جسد زنی در کوچه ابوالرووس پیدا می‌شود و ادعا می‌شود که آن جسد دختر مزاحم؛ یعنی عزه است. در این هنگام است که کلید کعبه نیز گم می‌شود. داستان با تعقیب وگریزهای ناصر القحطانی بازپرس جنایی داستان برای کشف هویت واقعی جسد. دامه پیدا می‌کند.

تمام اتهامات بر علیه یوسف پسر حلیمه لپی ریز قهوه‌خانه است؛ چرا که او از کودکی با عزه بزرگ شده از آنجا که عزه از همان کودکی پدر خود را از دست داده و حلیمه سرپرستی او را عهده دار بوده است. ناصر القحطانی در مسیر بازجویی خود همه‌ج را تفتیش می‌نماید و تم نم‌های عائشه دوست عزه را برای پیدا کردن سرخی جستجو می‌نماید و در طو. داستان از خلیل راننده تاکسی سخن به میان می‌آید



را قهرمان اصلی داستان دانست. شخصیت‌های داستان را به‌گونه‌ای فرزندان ا.والرووس می‌دند:

«لَا يَرْنَا كَأَوْلَادِ أَبُو لَرُوسٍ بِرَأْسِ لَمَّا عَصَا» (عالم: ۵۴).

از .. . شخصیت‌های اصلی داستان «طوق الحمام»، جسدی است که شخصیت او بین عزه و عائشه سردرگم است:

«سَكَتَ عُوْدٌ بِأَخْرِ الرُّقَاقِ وَ دَرَبَكَتْ طَبْلَةٌ بِيَدِ هَاوٍ غَشِيمٍ، حِينَ ظَهَرَتْ امْرَأَةٌ كِبَطْرِيقٍ فِي أَوَّلِ الرُّقَاقِ تَخْفِقُ عِبَاءُئُهَا عَنْ ثَوْبٍ عَزَائِهَا الْأَبْيَضِ، رَاحَتْ وَ جَاءَتْ حَوْلَ الْجُنَّةِ: خَافُوا رَبَّكُمْ اسْتَرَوْا عَوْرَةَ الْقَيْلَةِ. كَرَّرَتْ كُوْنُرُ زَوْجَةَ النَّزَاحِ، أَمِ الْمُهَاجِرِ أَحْمَدِ. تَدَافَعِ الْجَمْعُ حَوْلَ دَبَّتِهَا الَّتِي تَحَبَّبَ عَنْهُمْ الْقَيْلَةُ. شَبَّحَ بِأَحْيَةِ بَرْتَقَالِيَّةٍ اقْتَحَمَ بَعْكَازِهِ الْمَشْهَدَ، وَسَقَطَتْ عَيْنُهُ بِمَائِهَا الْأَزْرَقِ حَوْلَ الْحَمْتَيْنِ دُفَّانُ كُلِّ لَصِيفَةٍ، يَشْلُهُ هَاجِسٌ وَحِيدٌ: «أُعِيدُ ابْنَتِي عَزَّةَ أَنْ يَكُونَ لَهَا جَسَدٌ كَهَذَا لَا يَسْتَحْيِ حَتَّى فِي مَوْتِهِ.» (عالم: ۱۲ و ۱۳).

شخصیت جسد با اینکه باید شخصیتی ثابت و ایستد باشد اما در این داستان شخصیت پویایی است. از دیدگاه عناصر داستانی «مهمترین عنصر منتقل‌کننده تم داستان و مهم‌ترین عامل طرح داستان، شخصیت است تقریباً تمام داستان‌ها در گسترش طرح و ارائه‌ی تم خود از شخصیت‌های داستانی یاری می‌جویند» (بونسی، ۱۳۸۶: ۳۳). از می‌انداز انواع شخصیت‌ها، شخصیت پویا بسیار در روند داستان تأثیرگذار است. شخصیت پویا، شخصیتی است که مداوم در داستان، دسب. وش تغییرنونه‌تحوّل‌تباشد و جنبه‌های از شخصیت او، عقاید و جهان‌بینی او یا خصلت و خصوصیت شخصیتی او دگرگون شود؛ بنابراین، با وجود دگرگونی‌ها و تحولاتی که در مورد این جسد که مجهول الهویه است رخ می‌دهد لا شخصیت، شد لا پویا لا.

در داستان «طوق الحمام» شخصیت‌های داستان به تمام روش‌های بالا معرفی می‌شوند. شخصیت یوسف لاه می‌توان او را به دلیل حضور گسترده در داستان، و قرار گرفتن در موضع اتهام قتل و دزدی و ماجراجویی‌های بسیار او از شخصیت‌های اصلی داستان به شمار آورد:

«هُنَاكَ يَوْسُفُ الْمَوْسُوسِ بِالتَّارِيخِ، وَالذِّي وَقَعَ الْعَمِيدُ بِالْأَخْضَرِ وَ خَنَمَتْ جَامَعَةُ أُمِّ الْقُرَى بِالْأَرْزُقِ غَيْرِ الْقَابِلِ لِلتَّزْوِيرِ عَلَى وَثِيقَةِ الْبِكَالُورِيوسِ الَّتِي يَحْمِلُهَا فِي التَّارِيخِ وَ الْقَائِمَةُ عَلَى بَحْثٍ مُخْتَصَرٍ عَنِ الْمَنَائِرِ التَّارِيخِيَّةِ عَلَى جِبَالِ مَكَّةَ. وَ لَقَدْ كَانَ لَأَوْ مَنَالَةُ الْعِشْقِ بِأَبُو لَرُوسِ. يُوَدِّنُ لِعَشَقِيْنِ: عَزَّةَ، وَ مَكَّةَ. فَلَمْ يَهْبُطْ مِنْ سَطْحِهَا، وَ دَخَلَ فِي هَذِيانِ حَتَّى . مَهْمَا فِي وَاجِدٍ» (عالم: ۱۱).

در این قسمت می‌بینیم که نویسنده برای معرفی شخصیت یوسف از تحلیل بهره می‌گیرد، و با توصیفاتی عجیب او را به خواننده معرفی می‌کند «راوی سعی می‌کند رتوصیف مستقیماً صفات و لالات. رونی و ذکر وضعیت ظاهری شخصی و وضعیت محیلاً، خصلت‌های شخصیت مورد استفلاهاش را برای خواننده آشکار کند» (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۳۰۱).

نویسنده همچ‌نیز در پردازش شخصیت‌ها .. روش مستقیم و غیرمستقیم استفاده می‌کند: در معرفی مستقیم شخصیت، نویسنده معمولاً رک و صریح عمل می‌کند؛ یعنی

با شرح و تجزیه و تحلیل چگونگی شخصیت را بیان می‌کند و یا به‌طور مستقیم از زلایان شخصی دیگر، شخصیت داستان را معرفی می‌کند (سلیمانی، ۱۳۸۶: ۴۸). در این شیوه نویسنده با کلی گویی، تعمیم دادن و تیپ‌سازی، فرد مورد نظر را به خواننده معرفی می‌کند. این شیوه که معمولاً در ... یی ... امروزی دیگر جایی ندارد در قرن هجدهم و نوزدهم بسیار متداول بود (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۴۱) در معرفی شخصیت یوسف نویسنده از شخصیت‌پردازی مستقیم و غیرمستقیم بهره گرفته است. او به تحلیل شخصیت درونی و بیرونی یوسف می‌پردازد و از علاقه او و رشته دانشگاهی‌اش تا علاقه درونی او سخن می‌گوید. داستانی که ترک بیبی از این دو شیوه مستقیم و غیرمستقیم باشد، در شخصیت‌پردازی موفق‌تر است؛ زیرا در این صورت داستان تأثیرگذار بوده و موجب برانگیختن احساسات خواننده می‌شود.

و در جای دیگر یوسف خود را این‌گونه به شکل انسانی غول‌پیکر معرفی می‌نماید:  
 «اسمی المَسْتَبَار: یوسف بن عَنق، العملاق الذی یمد یدَه یتناول السَّمکَلا مِن لَاحِ البَحْرِ وَیرْفَعُهَا لِیشوبِها فی عینِ اللّثمس» (عالم: ۲۳).

در این داستان، نویسنده از سه روش برای شخصیت‌پردازی استفاده نموده است:

- ۱- «ارائه شخصیت با شرح و تفسیر و نه از طریق عمل و کردارش.
  - ۲- ارائه شخصیت از طریق عمل و رفتار او.
  - ۳- ارائه درون‌شخصیت بدون تفسیر به این ترتیب که با نمایش عملکردها و کشمکش‌های ذهنی و عواطف درونی شخصیت، خواننده غیرمستقیم شخصیت‌ها را می‌شناسد. در این روش، خواننده غیرمستقیم در جریان شعور آگاه و ناخودآگاه شخصیت‌های داستان قرار می‌گیرد» (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۸۷-۹۲).
- هر کدام از شخصیت‌های داستان به نوعی با توصیف و شرح اعمال و رفتارشان معرفی می‌شوند و خواننده به صورت غیرمستقیم در جریان اعمال و رفتارشان قرار می‌گیرد.

از دیگر شخصیت‌های اصلی داستان بازپرس ناصر القحطانی است که وظیفه او بازجویی در مورد قتل در مکه است، و در تمام داستان بازجویی‌های او وجود دارد. نویسنده این شخصیت را در خلال بازجویی‌ها و کارهایش لالالالالالای نماید:

«الآلاف الذین أخضعهم الملاق ناصر القحطانی اللالالالایق خلال الربع قرن من عملَه کَرْنیس لِقسم المَباحِث الجنائیة بالانطباع نفسه: "اللالالای کُن ناصر نفسه هو إسرائیل اللالی ینفخ البوق لِقیامِ القیامة..." (عالم: ۱۶).

زمانی که ناصر قحطانی حین بازپرسی خود را معرفی می‌کند، این‌گونه در مورد خودش می‌گوید:

«أنا الضابط ناصر القحطانی، المکلف بالتحقیق فی قضیة قتل، و صاحبِ هَذَا البُستَنِ مَطْلُوبٌ لِلاشتباه فی تورطِهِ، و جُودکَ هُنَا کافٍ لِصَمکَ إِلَى التَّحقیق» (عالم: ۱۴۷).

راوی با استفاده از اعمال و کنش شخصیت‌ها در گسترش طرح روا بی و همچنین پی بردن به حالات درونی شخصیت‌ها استفاده می‌کند. استفاده از عمل و کنش برای شخصیت یکی از طبیعی‌ترین و مؤثرترین راه‌های شخصیت‌پردازی است



(یونسی، ۱۳۸۴: ۳۵۲). راوی شخصیت ناصر را با کنش و واکنش‌ها معرفی می‌نماید. بار اصلی داستان بر دوش شخصیت بوسف و ناصر القحطانی است؛ اما که با کنش‌ها، گفتگوها و تک‌گویی‌های درونی در طول داستان هم وجود خود را در داستان اعلام می‌دارند و هم شخصیت‌های دیگر را معرفی می‌نمایند و هم روایت را به‌پیش می‌برند و هم پیرنگ داستانی را رونق می‌بخشند.

در داستان «طوق الحمام» شخصیت‌های متعدد و متنوعی یافت می‌شود که نوی‌بنده از طریق آن‌ها اندیشه‌ها و عواطف خود را به نمایش می‌گذارد. حضور شخصیت در این داستان بسیار پررنگ است و نویسنده برای معرفی شخصیت ناصر القحطانی از زاویه دید شخصیت‌های اصلی و فرعی استفاده کرده و به این شیوه او را معرفی می‌کند. این شیوه شخصیت‌پردازی، شخصیت را واقعی‌تر به تصویر می‌کشد که به‌طور قطع دارای تأثیر بیشتری است. نویسنده در این داستان برای شخصیت‌پردازی از تکنیک‌های مختلفی استفاده کرده لا لا لا لا رفتار، توصیف حالات روحی و روانی، محیط، خواننده را با شخصیت‌های رمانش آشنا ساخته است.

عزّه از شخصیت‌های اصلی لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا در قسلامت اول داستان با بسلاسل دیده می‌شود، و اهالی مگه بر این ادعا می‌باشند که جسد یافت لا لا لا در مگه لاسد عزّه دلاتر شیخ مزاحم است، راوی این‌گونه لا لا لا لا لا لا لا لا لا لا:

«تَعَهَّدتْهَا أُمُّهُ حَلِيمَةَ حِينَ مَاتَتْ أُمُّهَا وَ دَفَنَهَا مُرَاحِمُ فِي الظَّلْمَةِ الَّتِي دَخَلْتُهَا بَعْدَ وَلا دَيْتِهَا لِعِزَّةٍ. لَمْ يَرْضَعُ يَوْسُفُ عِزَّةً بِقَدْرِ مَا رَضِعَهَا كَحِزْنِ شَفِيفٍ مُتَوَاصِلٍ، مِثْلُ نَعْمَةِ اللَّامَةِ بِضُرْسٍ» (عالم: ۶۶).

در این داستان یوسف از شخصیت بای اصلی داستان عاشق، عزّه دختر شیخ مزاحم از شخصیت‌های ثروتمند داستان است. عزّه مادرش را از همان بدو تولد از دست می‌دهد و حلیمه مادر یوسف سرپرستی او را برعهده می‌گیرد. در بخش دوم داستان شخصیت «نوره» جایگزین شخصیت «عزّه» می‌شود، و این‌گونه معرفی می‌شود:

«نوره» تلك الرعدة التي تُصيَّبها كُلَّمَا نَادَاها أَحَدٌ بِهَذَا الإِسْمِ، تلك الثانية Z. Z. قبل أن تستجيب، جعلته يشك في كونه اسمها الحقيقي» (عالم: ۳۵۴).

بیشترین سهم را برای معرفی شخصیت ه، خود گویی و تفکر دارد؛ زیرا شخصیت‌های داستان به‌گونه‌ای شخصیت‌هایی مستقل هستند که کمتر توسط اشخاص دیگر معرفی می‌شوند.

از روش‌های شخصیت‌پردازی غیرمستقیم در داستان «طوق الحمام» بی. ویژگی. . . . ظاهری یا روحی و عاطفی شخصیت‌ها از زبان راوی دا. . . .، ین روش بیشترین کاربرد را در معرفی شخصیت‌ها را دارد؛ از جمله این شخصیت‌پردازی غیر مستقیم، معرفی «نوره» که همان شخصیت «عزّه» در قسمت ابتدای داستان است: «لَكِنِ الأَسْمُ نَوْرَةَ أَكْثَرَ مِنْ مُجَرَّدِ حِجَابٍ، يَكَاذُ يَلْمُحُ المَاضِيَ مِثْلَ ظِلِّ مِمْبِلٍ مِنْ أَعْلَى الصَّدْعِ لِجَانِبِ العُنُقِ لِيُعْطِيَ لِأَمَلِ الصِّدْرِ» (عالم: ۳۵۴).



می‌کند، از جمله شخصیت‌هایی که به صورتی غیر مستقیم معرفی می‌شود و شخصیت‌هایی همسو هستند، شخصیت معاذ و هُلَی و تیس الأوغوات ات‌س: «وَهُنَاكَ مَعَاذُ الَّذِي تَدْرَبُ لِيَخْلَفَ أَبِيهِ فِي إِمَامَةِ الْمَسْجِدِ - بَعْدَ عَمْرِ طَوِيلٍ - فَلَجَأَ لِسِرْقَةِ الْوَقْتِ لِعَمَلٍ صَبِيحًا بَاسْتِدْيَاوٍ ۚ قَتَّ. وَ خَلِيلٌ بِشَهَادَةِ طَيْرَانِهِ الْمَوْقُوفَةِ وَ خَطَابَاتِ رِفْضِ التَّوْظِيْفِ مِنْ شَرِكَاتِ الطَّيْرَانِ الْخَاصَّةِ، وَ هُنَاكَ تَيْسُ الْأَوْغَاتِ رَبِيبُ الْعَيْشِيِّ الطَّبَاخِ ... كُلُّ هَوْلَاءٍ يَصْلَحُونَ لِأَنْ تُرْفَعَ رُؤُوسُهُمْ عَلَى رِمَاحٍ، كَمَا يُؤَكِّدُ الشَّيْخُ مُزَاحِمُ الَّذِي جَاءَ مُلَاحِقًا حَمَلَةَ ابْنِ سَعُودٍ ١٩٢٦ بَعْدَ الْإِتْفَاقِ عَلَى تَسْلِيمِ الْمَلِكِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ مَدِينَةَ جَدَّةَ بَعْدَ خِلَافِ طَوِيلٍ وَ اسْتِسْلَامِ مَكَّةَ بِالْحَرْبِ. الشَّيْخُ مُزَاحِمُ ابْنِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ الَّذِي تَبَيَّنَ فِي مَوْقِعَةِ تَرْبَةِ التِّي قَادَتِ أَخْبَارُ مَقْتَلَتِهَا الْعَظِيمَةَ الْحِجَارَ لِلتَّسْلِيمِ مِنْ مَدُونِ قَتْنَا ل» (علم: ١١ و ١٢).

رجاء عالم با شرح و تحلیل رفتار، اعمال و افکار شخصیت‌ها، آدم‌های ... . ا. به خواننده م... ی. کند. راوی سوم شخص، عدسی را روی هر گوشه‌ای که زوم می‌کند نهایتاً تصویر آن گوشه را بلکه بار قضاوت راوی سوم شخص را هم هم‌زمان حمل می‌کند، راوی در داستان ابتدا برداشت‌های خود را از فرد ذکر می‌کند و این‌گونه او را معرفی می‌کند.

## ۲. نیروهای مخالف

شخصیتی که در مقابل اهداف یوسف یا دیگر شخصیت‌های داستان می‌ایستد کسی نیست جز شیخ مزاحم: «الشَّيْخُ مُزَاحِمُ هُوَ بِاخْتِصَارِ تَاجِرُ أَرْزَاقٍ، وَ مُصَابٌ بِإِمْسَاكِ مُزْمِنٍ» (عالم: ١٢) داوود نیز امام جماعت مگه است که یوسف با آن درگیری عقیدتی دارد و ایمان وی را باور ندارد. از این شخصیت به صورت پراکنده در داستان سخن به میان می‌آید.

## ۳. نیروهای مکمل

شخصیت‌های... هستند که در ساختار داستان جایگاه دارند. آنها ممکن است هم جزء نیروهای مخالف و هم جزء نیروهای موافق باشند، مانند: شخصیت ام‌السعد و فرزندش تیس الأوغوات، کوثر و نرّاح که به‌طور غیر مستقیم در داستان معرفی می‌شوند جزء نیروهای مکمل هستند:

«تَبِعْتُ أُمَّ السَّعْدِ رَبِيبَهَا تَيْسَ الْأَوْغَاتِ بِالشَّيْءِ فِي كَاسِ طَوِيلَةٍ مِنْ رُجَاجَاتِ جُبْنَةٍ كَرَاغَتٍ، ... «أُمُّ السَّعْدِ قَارِنَةٌ كَاتِبَةٌ.» أَنَا أَبُو الرُّوسِ أَحْرَصُ قَابِقِي رُؤُوسِي خَارِجَ طُوفَانِ هَذِهِ الْمَرَاةِ» (عالم: ٨٤).

ارائه شخصیت از طریق عمل شخصیت با کمی شرح و تفسیر، این شیوه جزء جدایی‌ناپذیر داستان‌نویسی رجاء عالم است. در جای دیگری «أم سعد» را این‌گونه معرفی می‌نماید:

«أُمُّ السَّعْدِ هِيَ حَفِيدَةُ ذَلِكَ الدَّرْوِيشِ اللَّبَانِ؟» (عالم: ٢٣٦).

نویسنده در معرفى شخصیت‌های فرعى از زاویه‌ی دید شخصیت‌های اصلی و فرعى استفاده کرده و به این شیوه آن‌ها را معرفی می‌کند. نویسنده گاه از زبان یوسف و گاه از لابه‌لای نمه‌های عائشه به معرفى شلاخصیت‌ها می‌پردازد. این شیوه‌ی شخصیت‌پردازی، شخصیت را واقعی‌تر به تصویر می‌کشد که به‌طور قطع دارای تأثیر بیشتری است. در ادامه داستان راوی شخصیت کوثر از شخصیت‌های مکمل را از لابه‌لای سخنانش معرفى می‌کند:

«هَذَا الصَّبَاخُ تَضَطَّرِبُ أُمَّ السَّعْدِ وَ هِيَ تَسْتَقْبِلُ كَوَثَرَ زُوجَةَ النَّزَّاحِ، الَّتِي تَعَهَّدَ ابْنُهُ الْبَكْرُ أَحْمَدَ الَّذِي يَعْمَلُ كَمُرَافِقٍ لِلشَّخْصِيَّاتِ، وَ زَوْجِ الْمَعْلَمَةِ عَائِشَةَ الْعَرَجَاءِ...» (عالم: ۸۴)

عنصر گفت‌وگویی. لى. اعمال و رفتار ... ی. هی. داستان در شخصیت‌پردازی رجاء عالم ... د. او در شخصیت‌پردازی شخصیت‌های مکمل در داستان به ارائه صیوچ‌شخصیت‌ها نمی‌پردازد، او با شرح و تحلیل زندگی، رفتار و اعمال شخصیت‌ها، آدم‌های رمانش را به خواننده معرفی می‌کند. از دیگر شخصیت‌های مکمل داستان شخصیت لباییدی و همسر اوست که به عنوان عکاسی در شهر مگه مشغول به کارند، نویسنده همسر لباییدی را این‌گونه معرفى می‌نماید:

«زُوجَةُ سَيِّدِنَا اللَّبَابِيْدِي، الْمُصَوِّرِ الْمَكِّيِّ الْأَقْدَمِ. وَ الَّذِي بَدَأَ بِالتَّقَاتِ صُوْرٍ لِمَكَّةَ مِنْذُ أَوَائِلِ الْقَرْنِ الْعِشْرِنِ، وَ مَا زَالَ حَتَّى تَوَفَّاهُ اللهُ عَنْ عُمُرِهِ يَبَاهُزُ الْمِئَةَ عَامٍ، سَنَةَ ۱۹۷۹ حِينَ اعْتَصَمَ جِهِيْمَانِ بِالْحَرَمِ الْمَكِّيِّ...» (عالم: ۱۵۱).

گاهی در پس بازجویی‌های «ناصر القحطانی» یک شخصیت به‌طور غیرمستقیم معرفى می‌شود، از جمله این شخصیت‌ها «احمد» همسر عائشه است:

«بِمُرَاجَعَةِ جَدَاوِلِ الْمُسَافِرِيْنَ عَلَى الْخُطُوْطِ السُّعُوْدِيَّةِ لِيَوْمِ الْخَمِيْسِ وَ الْجُمُعَةِ اِكْتَشَفَ الْمُحَقِّقُ نَاصِرَ أَنَّ زُوجَ عَائِشَةَ (احمد) قَدْ اسْتَقَلَّ الطَّائِرَةَ الْمَتْجِهَةَ إِلَى الدَّارِ الْبِيضَاءِ فَجَرَ الْجَنَّةَ، ظَهَرَ أَحْمَدُ الْمَفَاجِي وَ انْسَحَابِهِ يُرَشِّخُ عَائِشَةَ لِلْمَوْتِ، لَكِنَّهُ خَشِيَ تَتَبِعَ ذَلِكَ الْخِيَطَ» (عالم: ۲۱۴).

در معرفى «احمد» به صورت غیرمستقیم به معرفى و شناساندن شخصیت به خواننده، به ویژگی‌های ظهري و باطنی عمل و رفتارهای گوناگون او نیازی نداریم. در روش غیرمستقیم، راوی چیزی درباره شخصیت‌ها نمی‌گوید، بلکه با بیان ماجرا یا حادثه‌ای سعی می‌نماید تا شخصیت مرموز شخصیت داستانی را نشان دهد «برای شخصیت‌سازی غیرمستقیم از کنش، گفتار، نام، وضعیت ظاهري و محیط استفاده می‌شود» (اخوت، ۱۳۷۱: ۱۴۱). شخصیت رافا «از دیگر شخصیت‌های مکمل در داستان رجاء عالم است که به عنوان نگهبانی برای «نوره» در مادرید است که از ساوی خالد الصیخان که در مادرید سرپرست نوره است برای مراقبت از او انتخاب شده است:

«بِلاَ مُقَدِّمَاتٍ نَهَضَتْ نُوْرَةَ فَسَارَعَ رَافَا يَتَّبِعُهَا، مُؤَدِّيًّا دُوْرَهُ كَحَارِسِ شَخْصِي، يُحَاذِيهَا كَطَّلٍ، يَتَّقَدَّمُ أَوْ يَتَأَخَّرُ لِيَكْشِفَ أَى خَطَرٍ مُحْتَمَلٍ مُخْتَرِقًا بِهَا فِى بَهْوِ الْفُنْدُقِ» (علم: ۳۵۵).

در داستان «طوق الحمام» شخصیت‌های بسیی اری یافت می‌شوند که هر کدام مسئولیت‌های متفاوتی در داستان بازی می‌کنند. جنبه معرفتی شخصیت‌های داستان به واسطه توصیف‌های پررنگ رجاء عالم خوب اجرا شده است، او که توصیف‌گری دقیق و تیزبین است می‌داند که کجا و چگونه شخصیت‌های داستانش را توصیف و در ذهن مجسم کند. گاهی در گفت‌وگویی یک‌طرفه و درونی شخصیت داستان به مخاطبین معرفتی می‌شود؛ از جمله این شخصیت‌ها، شخصیت ترکیه است:

«الْتُرْكِيَّةُ هِيَ الْمَخْلُوقُ الْوَحِيدُ الَّذِي يُوسِعُهُ أَنْ يُفْتَبَّرَ بِمَخَالِيهِ الْجِلْدِ الْمَيِّتِ عَنْ قَلْبِكَ لِيقْرَأَ رَعْبَاتَهُ الشَّيْطَانِيَّةَ بِلا تزييف... هِيَ الْوَحِيدَةُ الَّتِي وَقَفَتْ نِدَاءً لِدِينَا صُورَكَ رَحْمَهُ اللهُ» (عالم: ۳۸۴).

در اینجا می‌بینیم که رجاء عالم برای توصیف شخصیت داستان خود توصیف‌هایی همراه با اغراق بکار می‌برد که دریافت آن برای مخاطب گاهی دشوار است و روح او را آزوده می‌کناز. د دیگر شخصیت‌های مکمل داستان در قسمت دوم شخصیت خالد الصبيخان است که در مادرید مسئول مراقبت از نوره است، این شخصیت توسط مشتبب از شخصیت‌های کم‌رنگ داستان معرفتی می‌شود:

«وَأَنْطَلِقُ مَشْتَبَّبٌ مِنْ حَنْجَرْتِهِ صَفِيرٌ: «هَذَا طَوِيلُ الْحَزَامِ، الصَّبِيحَانِ مِنْ أَحْقَادِ سَارَةِ وَ ابْنِهَا مَارِدٌ بِمِغَّةٍ!!» (عالم: ۵۵۱).

در اینجا نویسنده به وسیله گفتگو به معرفتی شخصیت خالد الصبيخان می‌پردازد «صحبتی را که میان دو شخص یا بیشتر ردوبدل می‌شود یا آزادانه در ذهن شخصیت واحدی در اثر ادبی پیش می‌آید گفتگو می‌نامند» (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۴۶۶).

در داستان‌پردازی رجاء عالم انعکاس شخصیت‌های مختلف در اشعار درواقع گویای بینش و جهان‌بینی شعر است که در قالب شخصی تقلیدشده از جامعه عینیت می‌یابد و محل بروز حالات، احساسات، تجربیات و شناخت نویسنده از جامعه خود است.

## ۵. نتیجه‌گیری

در بررسی شخصیت‌های رمان «طوق الحمام» نتایج زیر به دست آمد:

۱- داستان «طوق الحمام» از رمان‌هایی است که به بررسی مسائل اجتماعی-دینی می‌پردازد. مضامین آن به‌طور کلی اجتماعی بوده و بیانگر تجاوزگری‌های طول تاریخ به کعبه است. این رمان در پی ورود به دنیای خیال و جها نفاقتزی است. نویسنده، جسد یافت شده در داستان را به‌گونه‌ای رمزی از درون و هویت گمشده می‌داند که در بدن‌ها و رنگ‌های مختلف جلوه‌گری می‌نماید، یکبار در قالب دختری با نام عزه و بار دیگر در قالب دختری با نام نوره نمود می‌یابد، درون‌مایه داستان به شیوه غیرمستقیم به خواننده القاء می‌شود. خواننده با مطالعه رمان از همان ابتدا متوجه نمی‌شود که درون‌مایه اصلی داستان چیست.

۲- فضای داستان طوق الحمام، فضایی پر از اندوه و دل‌تنگی و درد است که به صورت واقعی و خیالی با شخصیت‌هایی با هویتی نامعلوم شکل می‌گیرد. رجاء عالم مضامین خود را از زندگی واقعی و خیلی می‌گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر واقعیات کعبه را در داستان خود انعکاس می‌دهد. از جمله ارزش‌هایی که نویسنده به تکریم آن می‌پردازد، حفظ هویت دینی و پایبندی به اصول اسلامی است.

۳- می‌توان گفت رجاء عالم در داستانش با بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی به میرزه ب امراض اجتماعی و انحرافات دینی می‌پردازد، اما معمولاً رامحلی ارائه نمی‌دهد و آن را به عهده خواننده می‌گذارد.

۴- شخصیت‌پردازی در خلق داستان رجاء عالم نقش اساسی دارد؛ این رمان دارای تنوع بسیار در شخصیت‌پردازی است؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان آن را داستانی با قالبی محدود دانست. شخصیت‌های این داستان از زمان بسیار گذشته شکل می‌گیرند و تا زمان حال داستان ادامه دارند. شخصیت‌های این داستان گاه افرادی بی‌هویت و گاه افرادی دو هویتی مانند عزه هستند.

۵- توصیف نیز از جمله ابزارهایی است که نویسنده برای بیان و پرداخت شخصیت‌های داستان از آن بهره می‌گیرد. آنجا که داستان نوعی داستان جنائی است توصیف صحنه‌های قتل و دزدی در داستان نمود خاصی به خود گرفته است. نویسنده با استفاده از توصیف به بیان شخصیت، افکار، اندوه‌ها و همچنین به توصیف فض و صحنه داستان می‌پردازد.

۶- بیشترین شخصیت‌های داستان را شخصیت‌های مکمل در بر می‌گیرد که در مسیر راه راوی قرار می‌گیرند و اشاره به آن‌ها اشاره‌ای گذراند.

۷- رجاء عالم، در داستان به بیان شرح‌حال و ماجراهای شخصیت‌های داستان می‌پردازد و جزءبه‌جزء حوادث داستان را برای خواننده شرح می‌دهد. آشفتگی درونی نویسنده به نظر می‌رسد که با حوادث مختلف بیرونی و فضای آشفتنه عصر معاصر مرتبط است.

۸- داستان رجاء عالم در واقع از تاب دین و قداست و ارزش‌دین برای انسان‌هاست و به این می‌پردازد که از گذشته تاکنون افرادی در پی از بین بردن این قداست می‌باشند.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کبوتر طوقی؛ کبوتری که در گردش طوق دارد و همان کفتر چهی هم گفته می‌شود.
- ۲- «رجاء محمد عالم» زن رهن‌نویس عربستانی است که در سل ۱۹۵۶ در مگه مکرمه به دنیب آمد که در سل ۲۰۱۱ برندهٔ جیزهٔ پوکر شد. او دارای آثاری همچون: ستر، حُبی، موقد الطیر، خاتم، سیدی وحدانه، قصص الحیوان (قصص)، الرقص علی سن الشوکه، الموت الأخير للممئل، ثقوب فی الظل (متن نمایشنامه‌ای)، أربعة صفر، طریق الحریر، مسری یا رقیب، طوق الحمامر. یمان طوق الحمام او در سل ۲۰۱۱ همراه با رمن «القوس و الفراشة» محمد اشعری جایزهٔ بوکر عربی را برد. رجاء علم تجربهٔ ابتکاری را وارد دنیای زنانه کرد و او روش صوفینه را در رمان عربی استور نمود همچنان که جمال الغیطانی و ادوارد خراط این کار را انجام دادند، ولی او با وارد کردن آن تجربهٔ ابتکاری در دنیای زنانه از آن دو متفاوت است (سلیمان، ۲۰۰۶: ۱۲).
- ۳- «طوق الحمام» عنوان اصلی این رمان است که نامش نشان‌دهندهٔ هویت آن کتاب و هویت نویسنده و شخصیت او و آن افکاری که می‌خواهد از طریق آن منتقل نماید خبر می‌دهد و عنوان همان «سختار اصلی است که نشان‌دهندهٔ دلالت‌های متن است، اگر متن ولود (زاینده) باشد عنوان، ز) دولوماییده شده) فعلی در اثر در گیریه‌های متن و ابعاد فکری ایدئولوژی است (حمداوی، ۱۹۹۸: ۱۰۴).
- ۴- طز: قوینتی اسات که در گردن قرار داده می‌شود، و هر چیزی که می‌چرخد همان «طوق» است مانند طوق آسیب که به دور قطب آن می‌گردد و مانند آن. و الطُّوقُ: مفرد (أطواق) است، و قد طَوَّقْنَهُ فَطَوَّقَ؛ یعنی به او طوق پوشاند. و گفته شده «طوق» آن چیزی است که به دور چیزی می‌گردد. الْمُطَوَّقَةُ: کبوتری که در گردش طوق است. الْمُطَوَّقُ مِنَ الْحَمَامِ: آن کبوتری که برایش طوق است. و طَوَّقَهُ بِالسَّيْفِ وَ غَيْرِهِ وَ طَوَّقَهُ إِيَّاهُ: برای او طوقی قرار داد. و در قرآن آمده: سَيَطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ یعنی کسی که از دادن زکات خودداری نموده آنچه از حق فقیران را بخل ورزیده بود به صورت طوقی از آتش در روز قیامت می‌شود (ابن‌منظور، ۱۹۸۵: ۲۷۲۴).

## منابع

- ابن منظور، محمد بن مكرم (١٩٨٥)، لسان العرب، القاهرة: دار المعارف.
- اخوت، احمد (١٣٧١ش)، دستور زبان داستان، تناره: نشر فردا.
- العتيبي، فاطمة بنت فيصل (١٤٣٠ق)، «السرديات النسوية دراسة تطبيقية على روايات رجاء عالم»، جامعة الملك سعود بالرياض.
- القباني، حسين (١٩٧٩)، فن كتابة القصة، بيروت: دار الجيل.
- بورنوف، رولان؛ اولته رئل (١٣٧٨ش)، جهان رمان، ترجمه نيزلا خلخلى، تناره: مركز.
- بيات، حسين (١٣٨٧ش)، داستان نويسى جريان سيال ذهن، تهرشر: ن اکت انتشارات علمى و فرهنگى.
- حمداوى، جميل (١٩٩٨)، «السيموطيقا و العنونة»، مجلة عالم الفكر، كوتيه: المجلس الوطنى للثقافة و الفنون و الآداب.
- داودى، أمينة (١٤٣٦ق)، «المتخيل السردى فى رواية طوق الحمام لرجاء علم» جامعة العربى بن مهيدى أم البواقى بالجزائر.
- سليمان، نبيل (٢٠٠٦)، اسرر التخيل الروائى، دمشق: منشورات اتحاد الكتاب العرب.
- عالم، رجاء (٢٠١١)، طوق الحمام، المركز الثقافى العربى، دار الرشيد.
- فيدوح، عبد القدر (٢٠١٦)، «المتخيل وتمائل نور التجلى فى رواية حُبى لـرجاء عالم» مجلة الأثر العدد ٢٥.
- كريمى، تفارش (٢٠١٦)، «رجاء عالم و الحداثة فى الرواية العربيمقا» «مِله كنفرانسى در دانشگاه كردستان.
- مرتاض، عبدالملك (١٩٩٨)، فى نظرية الرواية، كوتيه: المجلس الوطنى للثقافة.
- ميرصدقى، جمال (١٣٨٦)، ادبيات داستنى قصر، ممانس، داستان كوتاه. تهران، انتشارات سخن.
- يونسى، ابراهيم (١٣٨٦)، هنر داستان نويسى، تناره: انتشارات اميركبير.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی